



The Analysis of Meta-Function in Resalat Al-Ghufran by Abu al-‘Ala’ Al-Ma'arri, The Official Model of Michael Halliday

Foad Abdolazadeh ¹, Mohamad Yaghoubi ², Gholamabbas Rezaeestaftador ³, Abdolhamid Ahmadi ⁴

1. Corresponding Author, Department of Arabic language and literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Zabol, Zabol, Iran. E-mail: foadabdolazadeh@uoz.ac.ir.

2. Department of Arabic Language and Literature Farhangian University, Iran. E-mail: yaaghobim@yahoo.com

3. Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Human Sciences Tehran University, Tehran, Iran. E-mail: ghrezaee@ut.ac.ir.

4. Department of Arabic language and literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Zabol, Zabol, Iran. E-mail: abdolhamidahmadi@uoz.ac.ir.

Article Info

Abstract

Article type:

Research Article

Article history:

Received:

6, December, 2022

Received in Revised form:

5, February, 2023

Accepted:

14, March, 2023

Published online:

10, June, 2022

Today, various theories of linguistics with widely used procedures have a significant impact on the field of literary texts analysis. One of these theories is the social view of language based on the systemic functional linguistics proposed by the famous Michael Halliday (1994). The meta-function - from different types of language systems - is related to the type of attitude and insight of the messengers/literati in inducing the message to the messenger. " Resalat Al-Ghufran " by Abu al-'Ala al-Ma'arri is a mental text from Ibn Qareh's. Since the subject and the framework of this text are based on the design of concepts that express the system of Ma'arri function about supernatural issues, therefore, in the present study, based on the analytical method, the type of insight and experience of Abu al-'Ala and his writing experience in inducing a message to the reader are examined. The results show that the most frequent function process includes mental (30%), verbal (26%), and material (26%) processes, respectively. Accordingly, the type of supernatural travel and dealing with creatures, places and surreal events expresses al-Ma'arri's extraordinary mentality and power of imagination. Moreover, the theological process indicates the complete attention and knowledge of Abu al-'Ala to the Holy Quran, hadiths, historical events, ancient poems, and literary texts, and the material process also indicates the role of dynamism of the text of " Resalat Al-Ghufran ".

Keywords:

" Meta-function, mental process, theological process, material process, Abu al-'Ala Ma'arri, Resalat Al-Ghufran "

Cite this The Author(s): Abdolazadeh, F., Yaghoubi, M., Rezaeestaftador, G., Ahmadi, A., 2023. The Analysis of Meta-Function in Resalat Al-Ghufran by Abu al-‘Ala’ Al-Ma'arri, The Official Model of Michael Halliday: Journal of ADAB-E-ARABI (Arabic Literature) (Scientific) Vol. 15, No. 2, Serial No. 36-Summer, (129-144) .DOI: 10.22059/JALIT.2023.352133.612617



Publisher: University of Tehran Press

کاربست فرانش اندیشگانی در رساله الغفران ابوالعلاء المعری براساس الگوی مایکل هلیدی

فواد عبدالله زاده^۱، محمد یعقوبی^۲، غلامعباس رضایی هفتادر^۳، عبدالحمید احمدی^۴

foadabdollahzadeh@uoz.ac.ir .

yaaghobim@yahoo.com.

ghrezaee@ut.ac.ir .

abdolhamidahmadi@uoz.ac .

۱. نویسنده مسئول، گروه زبان و ادبیات عربی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زابل، زابل، ایران. رایانامه:

۲. گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه فرهنگیان، ایران. رایانامه:

۳. گروه زبان و ادبیات عربی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه:

۴. گروه زبان و ادبیات عربی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زابل، زابل، ایران. رایانامه:

چکیده

اطلاعات مقاله

امروزه نظریه‌های مختلف زبان‌شناسی با رویه‌های پرکاربرد در عرصه تحلیل متون ادبی تأثیر بارزی دارد. ازجمله این نظریه‌ها، نگاه اجتماعی به زبان بر پایه نظام نقش‌گرا است که توسط زبان‌شناس معروف مایکل هلیدی (۱۹۹۴ م) ارائه شده است. دستور نظام‌مند-نقش‌گرا رویکردی است زبان‌شناسی که زبان را در بافت فرهنگی و موقعیتی مورد بررسی قرار می‌دهد، این رویکرد بر نقش و معنای زبان استوار است. رساله الغفران اثر ابوالعلاءمعری، متنی است ادبی از سفر خیالی ابن قارح به عالم بهشت و دوزخ و توصیف حال ساکنان این دو مکان. از آن‌جا که موضوع و چارچوب این متن بر طرح مفاهیمی استوار است که نظام اندیشگانی معری به عنوان یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های متفکر تمدن عربی اسلامی را بازبانی نمادین و غیر مستقیم درباره عصر عباسی و اوضاع طبقات اجتماعی و به ویژه ادبا را بازگو می‌کند؛ لذا در پژوهش حاضر تلاش می‌شود بینش و تجربه زیسته ابوالعلاء از پدیده‌های اجتماعی و واقعی عصر او بر مبنای این رویکرد زبان‌شناسی غیرصورت‌گرایانه مورد بررسی قرار گیرد. نتایج نشان می‌دهد ارتباطی دوسویه بین نمود روساخت نقش‌های زبانی و چهارچوب‌های فرهنگی اجتماعی در این اثر وجود دارد و بیشترین بسامد فرآیند اندیشگانی این اثر شامل فرآیند ذهنی (۳۰٪)، کلامی (۲۶٪) و مادی (۲۶٪) است.

نوع مقاله:

بحث علمی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۰۹/۱۵

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۱/۱۱/۲۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۱۲/۲۳

تاریخ انتشار:

۱۴۰۲/۰۳/۲۰

هلیدی، فرانش اندیشگانی، فرآیند ذهنی، ابوالعلاء معری، رساله الغفران.

واژه‌های کلیدی:

استناد: عبدالله زاده، فواد، یعقوبی، محمد، رضایی هفتادر، غلامعباس، احمدی، عبدالحمید، ۱۴۰۲. کاربرد فرانش اندیشگانی در رساله الغفران ابوالعلاء معری براساس الگوی مایکل هلیدی: ادب عربی، سال ۱۵، شماره ۲، تابستان - شماره پیاپی ۳۶ - (۱۲۹-۱۳۲). DOI:10.22059/JALIT.2023.352133.612617



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

۱. مقدمه

رویکرد زبان‌شناختی هلیدی مبتنی بر دو مفهوم بنیادین نظام و نقش است که نام‌گذاری این رویکرد از همین دو مفهوم گرفته شده‌است. هلیدی بر نقش عناصر زبانی تأکید دارد و به همین جهت الگوی خود را در مطالعات زبانی، زبان‌شناسی نقش‌گرا نامید. وی در ابتدا متن را بر پایهٔ ویژگی‌های زبانی مستقل و نه ذهنی مورد واکاوی قرار داد و نقش‌های زبانی را در بافت‌های مختلف از جمله بافت اجتماعی تبیین نمود. این گونه که برای تبیین مفهوم گفتمان باید بین زبان محض که ساختاری منسجم است و زبانی که در هنگام کاربرد استفاده می‌شود تمایز قائل شد؛ زیرا از نظر وی زبان در هنگام کاربرد، پدیده‌ای اجتماعی است که محکوم به برخی شرایط اجتماعی است (بدری الحربی، ۲۰۰۳: ۴۱). هلیدی با این شیوه به نقد آراء سوسور که بر تحلیل صرف زبان تأکید داشت، پرداخت و نشانه-شناسی اجتماعی را بنیاد نهاد که بعدها لیون و فرکلاف از چهره‌های شاخص آن شدند (طاهری‌نیا و همکاران، ۱۳۹۹: ۳). البته شالوده نگاه نقش‌گرایی به دیدگاه‌های حلقه‌ی زبانشناسی پراگ برمی‌گردد که در مقابل ساختارگرها ایجاد شدند و فهم دقیق متن را ناظر به سیاق و بافت موقعیتی آن می‌پنداشتند نه فقط تحلیل ساختارهای زبانی (نیازی و رحمانی، ۱۳۹۲: ۲۵۶).

رویکرد نقش‌گرایی هلیدی به طور کلی یک دستور طبیعی است که به توصیف چگونگی کاربرد زبان ارتباط دارد، زبان در این دستور به عنوان نظامی از معانی است که به همراه خود صورتهایی را در بردارد و معانی از طریق این صورته‌ها تبلور می‌یابند (روبنز، ۱۳۹۳: ۱۸۸).

هلیدی مؤلفه‌های متعدد معنایی موجود در نظام معنایی یک زبان را با کلی‌ترین نقش‌های زبان مرتبط کرد و آن‌ها را تحت عنوان فرانقش نام‌گذاری نمود. منظور از فرانقش آن بخش از نظام زبان، امکانات معنایی و واژی یا دستوری خاص است که برای تشکیل نقش یا کارکرد بحث شده، تکامل یافته است (هلیدی و حسن، ۱۳۹۳: ۱۲۲). از نظر هلیدی، زبان دارای سه فرانقش متنی، بینافردی و اندیشگانی است که هر یک از آن‌ها از یک دستور واژگانی فعلیت می‌یابند. فرانقش متنی از رهگذر ساختار آغازگری، فرانقش بینافردی از رهگذر ساختار وجه و فرانقش اندیشگانی از رهگذر ساختار گذرایی (أحمد، ۲۰۰۱: ۱۶۴).

رساله الغفران از جمله آثار مشهور ابوالعلاء معری است که از زبان ابن قارح، مشاهدات سفرش را به جهان آخرت و ورود به بهشت و دوزخ بیان می‌شود. معری در بخش دوم کتاب به نامه ابن قارح پاسخ می‌دهد و سؤالات فلسفی درباره مسائل ماوراء طبیعت می‌پرسد. اهمیت رساله الغفران به قسمت اول آن بازمی‌گردد تا جایی که پژوهشگران آن

را دلیل اساسی در نگارش «کمدی الهه» دانته می‌دانند (ضیف، ۱۴۳۳: ۲۷۶). برخی معتقدند که معری در رساله الغفران مباحث اندیشگانش را در بخش‌های مختلف اجتماعی، اخلاقی، دنیوی، معاد و غیره بیان می‌کند و از طریق تداعی و تخیل، افکار و شخصیت‌ها مفاهیم فلسفی پیچیده‌ای را روایت می‌کند (رضوان بدر، عبدالله و الشیمی، ۲۰۱۰: ۴).

از نظر احسان عباس، پاسخ نامه ابن قارح دلیل اصلی آفرینش رساله الغفران نیست؛ بلکه ملزومات و تمهیدات فکری و اجتماعی و فرهنگی آن به زمانی قبل از نامه ابن قارح برمی‌گردد و اگر آن نامه هم نبود باز باید به شیوه‌ای این اندیشه منعکس می‌شد (عباس، ۲۰۱۰: ۲۲۸). وجود چنین قابلیت‌هایی در رساله الغفران نویسندگان مقاله حاضر را بر آن داشت تا با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به الگوی هلیدی، نظام معنایی و فرانش‌های اندیشگانی این اثر را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهند. در این پژوهش تلاش می‌شود به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

مهم‌ترین مضمون اندیشگانی رساله الغفران کدام است؟

فرآیند معنارسازی در رساله الغفران از کدام فرانش‌های اندیشگانی هلیدی بهره برده است؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

برخی از مطالعات انجام گرفته در زمینه نظریه نقش‌گرای هلیدی به شرح زیر است: عزیزخانی و همکاران (۱۳۹۶ ش) در مقاله «کاربست دستور نقش‌گرای هلیدی بر سوره انشراح» ضمن برجسته‌سازی زبانی این سوره، بازتاب ویژگی‌های معنایی متن را در بافت موقعیت نیز بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که در فرانش بینافردی، وجه اخباری و زمان ماضی برجسته شده‌اند و انسجام دستوری و واژگانی با ایجاد انسجام، نقش مهمی در تأیید محتوای سوره دارند. نادری (۱۳۹۶ ش) در مقاله «خوانش ساختار اندیشگانی و بینافردی اشعار فاروق جویده براساس رویکرد نقش‌گرای هلیدی چنین نتیجه‌گیری کرده که در سطح بینافردی، استفاده فراوان از بندهای خبری، بر قطعیت دیدگاه شاعر نسبت به وضعیت نابسامان مردم مصر در سایه خفقان و استبداد دلالت دارد، پس از جملات خبری، بسامد بالای جملات التزامی بر ارزش هنری اشعار وی افزوده است. عرب زوزنی و همکاران (۱۳۹۵ ش) در مقاله «بررسی ساختار وجهی خطبه نهج‌البلاغه براساس فرانش بینافردی نظریه نقش‌گرا» به این نتیجه رسیدند که نظریه نقش‌گرا قابلیت بسیاری در تحلیل متن نهج‌البلاغه دارد. جرفی و یادگاری (۱۳۹۵ ش) در مقاله «سبک‌شناسی و جهان‌بینی بشار بن برد براساس رویکرد نقش‌گرا» به این نتیجه رسیدند که بشار با باور قطعی و مسلم، فحوای کلام خویش را به مخاطب القاء کرده و فضای شعر خود را سرشار از پویایی و تحرک ساخته است. میرحاجی و سادات الحسینی نوش آبادی (۱۳۹۲)

در مقاله «رویکرد صورتگرا- نقشگرا در الکتاب سیبویه» چنین نتیجه‌گیری کردند که سیبویه به نحو گفتمان یا در تعبیری بهتر به صورت‌ها و نقش‌های زبانی رویکردی تعاملی داشته و هر دو را مطمحن نظر قرار داده‌است.

برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های انجام شده در زمینه تحلیل و بحث رساله الغفران به شرح زیر است: ضیاءالدینی و فرخ‌نیا (۱۳۹۲ ش) در مقاله «بررسی تطبیقی سیرالعباد سنایی غزنوی و رساله الغفران ابوالعلاء معری از دیدگاه فرجام‌شناسی» به این نتیجه رسیدند که نظریه فرجام‌شناسی در سنایی و ابوالعلاء معطوف به آن سوی مرگ است. درونمایه غربت آگاهی در آثار مقایسه شده از جلوه خاصی برخوردار است که می‌توان آن را به همه آثار فرجام‌شناسی اسلامی تعمیم داد. توحیدی فر (۱۳۹۰) در پژوهشی تطبیقی تحت عنوان «بررسی تطبیقی رساله الغفران، کمدی الهی و آفرینگان» نگرش نهیلیستی را در این سه اثر مورد مطالعه و بررسی قرار داد و به تبیین نگرش دینی نویسندگان این سه اثر در زمینه جست‌وجوی آدمی درباره جهان پس از مرگ می‌پردازد و به این نتیجه رسید که معری به دلیل قدمت و پیشی داشتن از دانته و صادق هدایت توانسته در این نوع نگرش بر آن‌ها تأثیر بگذارد. بعد از تحقیق در پژوهش‌های انجام گرفته در جهان عرب در مورد این اثر با نگاه‌های مختلف و گاهی متضاد مواجه می‌شویم؛ طه حسین و لويس عوض انگ بی- اعتقادی رابه معری زدند و این رساله را فارغ از جنبه ادبی و هنری پنداشتند (حسین، ۱۹۶۳: ۲۲۳) و (العقاد، ۱۹۹۶: ۱۱۶). برخی مانند عقاد و محمد مندور با رویکردی روان‌شناسانه سعی در تحلیل آن داشتند با این حال «گروهی این متن را تقبیح و آنرا توهین به متن مقدس قرآن قلمداد کردند ولی در عین حال جنبه ادبی متعالی آن را هم انکار نکردند» (فوزی، ۱۹۹۳: ۵).

این جستار سعی دارد در عین استفاده از مطالعات انجام گرفته با نگاهی جدید - در حد امکان - به متن رساله الغفران به عنوان متنی فنی و نیش‌دار که به آسیب شناسی بینش فکری و عقلیت عربی اسلامی پرداخته، توجه کند و در این راستا از مبانی فرانقش اندیشگانی هلیدی بهره‌مند شود.

۱-۲. ضرورت و اهمیت پژوهش

یکی از مطالعات انجام گرفته روی ذهن و تفکر انسان مشاهدات تجربه‌گرایانه است که پیشرفت را حاصل مشاهده رفتار واقعی یا عینی انسان می‌داند، برخلاف این گروه عده‌ای معتقدند که بخش اعظم واقعیات بر انسان پوشیده است و در رفتار عینی قابل بررسی نیست. بسته به این دو نوع بینش و مشرب فکری فلسفی پژوهش‌های زبان‌شناسی در یک تقسیم‌بندی کلی در دو نوع نقش‌گرا و ساختارگرا (صورت‌گرا) قرار می‌گیرند. زبان-شناسی نقش‌گرا که برخواسته از پایگاه فکری و تفکر فلسفی تجربه‌گرایی است شکل-

گیری و ماهیت زبان را نه فطری و ذاتی بلکه به خاطر نیاز ارتباطی می‌انگارد (نک: آقاگل-زاده، ۱۳۸۵: ۷۴-۷۵).

هلیدی «ویژگی‌ها و محتویات بنیادی معنا در زبان را همان ویژگی‌ها و محتویات نقشی می‌داند و آنها را تحت عنوان فرانقش نامگذاری می‌کند» (همان: ۸۸). فرانقش اندیشگانی ناظر به نوع اندیشه انسان است از عالم بیرون و درون؛ و طبیعتاً «زبان نویسنده حول چیزی یا هدفی برحسب تجربیات و تفکرات او قرار می‌گیرد» (العتوم، ۲۰۰۴: ۴۶). کارکرد اندیشگانی در مضمون متن آشکار می‌شود و از دو بُعد تجربی و منطقی ساخته می‌شود: بُعد تجربی، تجربه‌ای است که نویسنده یا گوینده در ساختار فرهنگی و اجتماعی معین که در آن زیسته حاصل می‌شود و بُعد منطقی که از خلال روابط منطقی مجرد یا انتزاعی نویسنده با تجربه‌های ضمنی حاصل می‌شوند (روابحه، ۲۰۱۸: ۴۸). هلیدی معتقد است هر فعل مشمول یک فرآیند است و هر فرآیند ملزومات خاص خود را دارد. اینگونه که «افعال به کاررفته در متن بیانگر نوع بینش و تفکری است که نویسنده در طی زندگی کسب کرده و در قالب گفتمان نوشتاریش آنها را نمایانده است» (Haliday, 1985: 107).

هلیدی برای فرانقش اندیشگانی شش فرآیند تعریف نمود که عبارتند از: فرآیند مادی، ذهنی، رابطه‌ای، رفتاری، کلامی و وجودی. عنوان هر یک از این فرآیندها، مبین نوع کنش‌هایی است که در برمی‌گیرند، بدین صورت که فرآیند مادی شامل همه کنش‌هایی است که وقوع یک کنشی را نشان می‌دهند. فرآیند ذهنی، شامل کنش‌هایی است که در سه حوزه احساسات، شناخت و ادراکات انسانی رخ می‌دهد. فرآیند رابطه‌ای بیانگر دارا بودن شاخصه‌ای خاص و پیدایش نوعی تغییر و تحول است. سه فرآیند رفتاری، کلامی و وجودی جزو فرآیندهای واضح و مشخصی است که از عنوان آنها قابل تشخیص است؛ زیرا در ارتباط با سه حوزه رفتار، کلام و وجود مطلق است (Haliday, 1994: 102). این فرآیندها همواره به کاربران زبان این امکان را می‌دهند که واقعیت‌ها را مستقیم یا غیر مستقیم و با روش‌های مختلفی بازگو کنند. رساله الغفران از جمله آثار مشهور ابوالعلاء معری است که سعی می‌کند از زبان ابن قارح، به یک سؤال اصلی حول محور سبب آمرزش مغفورین در بهشت پاسخ دهد. معری مشاهدات و نظام اندیشگانی خود را طی فرآیندها و کنش‌های کلامی و زبانی پیرمون محیط و عصر خود بیان کند.

۲-۲. فرآیند مادی

این فرآیند، کنش و حرکت را نمایان می‌سازد و بر رخداد واقع‌های دلالت دارد؛ افعال به کار رفته در یک متن، تجربه نویسنده از جهان اطرافش را شامل می‌شود که در این بخش «انجام‌دهنده عمل را کنش‌گر می‌نامند؛ حال اگر این عمل از یک عنصر به عنصر دیگر

گذر کرده باشد، یک هدف نیز در بند دیده می‌شود» (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۴۲). از آنجا که نقش فعل در ارائه معنای جمله و رخدادها مهم است، کاربرد این فرآیند فعلی در یک متن به خصوص ادبی جایگاه خاص داشته است، چراکه هر رخدادی با این نوع فرآیند قابل تبیین است. بر این اساس، نمونه‌های بسیاری برای این نوع فرآیند در رساله الغفران یافت شد که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

«ذَهَبَ عَلَى إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا أَعَشَى قَيْسٍ، رُويَ مَدْحَةُ فَيْكٍ وَ شَهِدَ أَنْكَ نَبِيٍّ مَرْسَلٍ» (المعری، ۱۹۵۰: ۱۸۱). در این عبارات کنش‌گر «حضرت علی» و کنش‌پذیرها به ترتیب نبی (ص)، کلام امام علی، مدح کردن و شهادت دادن است. مشارک در فعل اول چون ناگذرا است تنها یک نفر است، ولی در فعل‌های بعدی چون افعال گذرایی هستند تعداد مشارکان دو نفر هستند. بقیه عناصر بیرونی (گروه قیدی و گروه اضافی) که عناصر پیرامونی زبان به حساب می‌آیند که در قالب و شکل دهی نقش‌ها دخیل هستند و در ارتباط با همدیگر تفسیر می‌شوند. نظام معنا رسانی در این سطر با بسامد چهار فرآیند مادی نشان از وجود کنش‌ها و رخدادهای متعدد جهت کشف عالم بیرون است. موضوع غفران و بخشش تم اصلی در رساله معری است، هرچند که نباید به فهم ظاهری از این مقوله اکتفا کرد؛ چرا که مقوله آمرزش و بعد از آن به تصویر کشیدن حال و هوای قیس در بهشت (..فَشَفَعَ لِي فَأَدْخَلْتُ إِلَى الْجَنَّةِ..فَقَرَّتْ عَيْنَايَ بِذَلِكَ، وَإِنْ لِي مَنَادُحٌ مِنَ الْعَسَلِ وَ مَاءُ الْحَيَوَانِ (همان: ۱۸۱) در راستای ایده اصلی معری در این اثر که همان نقد اوضاع سیاسی اجتماعی است، باید تفسیر شود.

در جایی دیگر در وصف بشار در جهنم می‌گوید: «... وَ رَجُلٌ فِي أَصْنَافِ الْعَذَابِ، يَغْمُضُ عَيْنَيْهِ حَتَّى لَا يَنْظُرَ إِلَى مَا نَزَلَ بِهِ مِنْ نَقَمٍ، فَيَفْتَحُهُمَا الزَّبَانِيَّةَ بِكَالِإِبِ مِنْ نَارٍ وَ إِذَا هُوَ بِبِشَارَيْنِ بَرْدٍ، قَدْ أُعْطِيَ بَعِينَيْنِ بَعْدَ الْكَلِمَةِ، لِيَنْظُرَ إِلَى مَا نَزَلَ بِهِ مِنَ النَّكَالِ» (همان: ۸۸). در این عبارات فرآیندهای مادی افعال گذار و مشارکان دو یا سه گروه (اعطی) هستند. رخدادهای متعدد دال بر تحرک و عینی تر بودن متن دارند به طوری که مخاطب این عینیت فرآیندها را از تقابل و تعامل بین کنش‌گران و کنش‌پذیرها درک می‌کند. عبارت‌پردازی معری با بهره‌وری او از دیگر واحدهای زبانی در این متن رمز گذاری شده است. اسامی، قیود و حروف در کنار افعال در این مقوله جای می‌گیرند. این عناصر همسو با زمینه اجتماعی و بافت جامعه عصر معری است، دوره‌ای که خیلی از شاعران و نویسندگان به دلیل قهر اجتماعی و فشار سیاسی در بند و شکنجه بودند. تصویر شاعر عصیانگر عباسی بشاربن برد و خیلی از توصیف‌های دیگر معری از آتش، وسایل شکنجه و عذاب و فضای ساکن و کم تحرک جهنم در بخش‌های دیگر رساله الغفران گویای زندگی دشوار و غیر ایمن ادبای منتقد هم‌عصر شاعر معره است.

۲-۳. فرآیند ذهنی

این نوع فرآیند بازنمایی جریان ذهنی، خودآگاهی و حتی تخیلات خود نویسنده است. به طوری که با احساسات، شناخت و ادراکات انسانی همراه است و لزوما دارای دو شرکت‌کننده است (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۴۳). «شرکت‌کننده ای که می‌اندیشد یا ادراک می‌کند را مُدرک می‌نامند و آنچه احساس یا ادراک می‌شود، هلیدی عنوان پدیده به آن داده است» (Eggins, 2007: 223-225); بنابراین، فرآیند ذهنی تمامی افعال حسی را در برمی‌گیرد، از جمله کنش‌های فکر کردن، دوست داشتن، تصور کردن، خواستن، دیدن، شنیدن و غیره.

در این فرآیند رویداد یا کاری با اجبار همراه نیست؛ زیرا تنها چیزی یا یک واکنش انفعالی در ذهن رخ می‌دهد. از این رو، مدرک می‌تواند جاندارِ داری شعور باشد یا اینکه نویسنده او را دارای شعور پندارد. بر این اساس، آرایهٔ ادبی جان‌بخشی از این فرآیند پیروی می‌کند که گاهی دیده می‌شود، نویسنده به یک موجود بی‌جان یا غیرانسانی جنبهٔ انسانی یا دارای ادراک و احساس موجود زنده را به غیر زنده می‌دهد. همچنین در حسن تعلیل نیز این فرآیند نقش‌گرای هلیدی قابل مشاهده است؛ بنابراین در این فرآیند، سه شرکت‌کننده وجود دارد، اینگونه که یکی از شرکت‌کننده‌ها دارای شعور است و قادر است تا جای دو شرکت‌کنندهٔ حس‌گر و پدیده را بدون هیچگونه تغییر در معنای جمله یا بند، تعریف نماید (Thomnson, 1996: 82).

در رساله الغفران هنگامی که ابن قارح به نزد طرفه بن عبد در جهنم می‌رود، معری بعد از یادآوری ابیاتی از طرفه در وصف شراب از زبان این شاعر جاهلی می‌گوید: «لقد وددت بأني لم أنطق مصراعا و دخلت الجنة مع الهجم و الطعام و كيف لي بهء و سکون» (المعری، ۱۹: ۹۲). ذکر این احساس و ادراک (تمایل ظاهری به دم فرو بستن و سکوت پیشه کردن) از سوی مُدرک (طرفه) در این بخش از متن می‌تواند دلیلی باشد بر اعلان ناخشنودی این شاعر دگراندیش و عصیانگر بر نظام قبیله ای و تأکیدی بر نمادین بودن مفاهیم بهشت و جهنم و فضاهایی از این قبیل که در رساله الغفران آورده شده است. انسجام متنی این مفهوم از زبان هالیدی با وجود عناصری چون ارجاع (ضمائر) واژگان، هم‌آیی (آقاگلزاده، ۱۳۸۵: ۱۰۸) و ارتباط دادن آن به لایهٔ ژرف معنای مورد نظر معری آشکار است.

«فتقول: أنا الخنساء السلمية، أحببت أن أنظرَ إلى صخر، فأطَّلعتُ فرأيتُه كالجبل الشامخ والنارُ تَضَطَّرِمُ في رأسه» (المعری، ۱۹: ۳۰۸). کنش‌هایی که در زیر آن‌ها خط کشیده شده، افعال احساسی، طلبی و درکی هستند که در فرآیند اول، امر خواستن و دوست داشتن با مدرک من «ضمیر بارز ت» و حس‌گر؛ نگریستن به صخر «أن أنظرَ إلى صخر» است. هدف نویسنده از آوردن این بند با این نوع فرآیند و مشارکان، اینکه اشعارش را در

مضمون مدح و مرثیه برادرش؛ صخر سروده است و اکنون به خاطر همان اشعار در جهنم است. در فرآیند «اُطْلَعْتُ» فرآیند دیدن و درک کردن تنها یک مشارک مدرک «من یا ضمیر ت» وجود دارد و پدیده حس گر با عبارت بعدی معنارسانی می شود. فرآیند دیدن نیز با مشارک «من یا ضمیر ت» جهت القای همان هدف نویسنده که در بندهای اول آمده بوده ذکر شده است.

۴-۲. فرآیند رابطه‌ای

این فرآیند که به توصیف و شناسایی مرتبط است، کنش‌هایی را شامل می شود که به نوعی در زبان فارسی به آن‌ها فعل اسنادی گفته می شود و با فعل‌های ربطی (بود، شد، داشت، به نظر آمدن) نسبت داده می شود. این فرآیند مشارکتی است و دو نفر در آن شرکت دارند. در فرآیند رابطه‌ای هویتی شرکت کننده‌ای که مشخصه یا ویژگی هویتی کسی یا چیزی را تبیین می کند شاخص (شناسا) می نامند و در مقابل به چیزی یا کسی که شناسایی می شود شناخته گفته می شود. برنقش‌های سازنده در نوع وصفی نیز حامل و محمول اطلاق می شود (Haliday, 1985: 102) در ادامه به برخی از شاهد مثال‌های «رساله الغفران» که دال بر فرآیند رابطه‌ای است اشاره می شود:

«فَصَدْرُ أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى هِنَالِكٌ قَدْ غُسِلَ مِنَ الْحَقْدِ عَلَى مُحَمَّدَ بْنِ يَزِيدَ فَصَارَا يَتَصَافِيَانِ وَيَتَوَافِيَانِ، كَأَنَّهُمَا نَدْمَانَا جَذِيمَةٌ: مَالِكٌ وَعَقِيلٌ، جَمَعَهُمَا مَبِيتٌ وَمَقِيلٌ» (المعری، ۱۹۷۷: ۱۶۹-۱۷۰). فرآیند رابطه‌ای یا اسنادی در این مثال فعل «صارا» توانسته مفهوم بهبودی رابطه (محمول) را برای دو حامل (احمد بن یحیی و محمد بن زید) به تصویر بکشد. بافت موقعیتی در این فرآیند با عناصر مختلف معنا و هدف نویسنده را به خواننده انتقال می دهد، از جمله: زمانی (=تشبیه با رویدادی در یک وهله زمانی از گذشته)، گستره (=وسعت شباهت گفتمان حاضر نویسنده با گفتمان یا رویدادی در گذشته)، موضوع (=وحدت موضوعی در تلفیق دو موضوع مشابه جهت تبیین معنا)، همراهی (=بیان همراهی و هم‌نشینی دو فرد در دشمنی و کینه که نتیجه‌ای جز پشیمانی ندارند و رابطه آن دو بهبود می یابد) و زاویه دید یا نوع بینش نویسنده به پیام (=زمانی داستان و گفتمان از زاویه دید شخصیت‌ها تعریف شود، نقش نویسنده در بیان مطالب کمرنگ می شود ولی زمانی با نگاه نویسنده بیان شود، نویسنده در حکم دانای کل تمام وقایع را به خوبی شرح می دهد، مانند این مثال تا جایی که نویسنده ارتباط این دو شخصیت را به نوع ارتباط پادشاه جذیمه با دو خدمتکارش در گذشته تشبیه کرده است). براین اساس، گاهی دیده می شود که نویسنده از عناصر مختلف بافت موقعیتی در راستای شرح نوع بینش و اندیشه خویش بهره می جوید.

«أَفَأُطْلَقَتْ لَكَ الْخَمْرُ كَغَيْرِكَ مِنْ أَصْحَابِ الْخُلُودِ؟ أَمْ حُرِّمَتْ عَلَيْكَ مِثْلُ مَا حُرِّمَتْ عَلَى أَعْشَى قَيْسٍ؟» فيقول زهير إن أبا قيس أدرك مُحَمَّداً فَوَجَّيْتُ عَلَيْهِ الْحُجَّةَ، لَأَنَّهُ بُعِثَ بِتَحْرِيمِ الْخَمْرِ، وَحُظِرَ مَا قَبَحَ مِنْ أَمْرِ؛ وَهَلَكْتُ أَنَا وَالْخَمْرُ كغَيْرِهَا مِنَ الْأَشْيَاءِ وَ يَشْرِبُهَا أَتْبَاعُ النَّبِيِّ، فَلَا حُجَّةَ عَلَيَّ» (همان، ۱۸۴). گاهی فرآیند رابطه‌ای نیز با تأثیر عکس نمایان می‌شود یعنی یک ویژگی از حامل سلب می‌شود، مانند نمونه بالا که حامل (=اعشی؛ شاعر دوره مخضرم) را از وجود بهشت برین و مزایای آن همچون شراب بهشتی محروم ساخته است. در مثال بالا، فرآیندهای رابطه‌ای با جنبه سلب ارتباط نمایان شده‌اند تا نویسنده جهت القای معنای مورد نظرش به مخاطب برعدم تناسب بین عصیان‌گری و آرامش و رفاه داشتن تاکید کند. با توجه به اینکه این متن ادبی است و از زبان نماد و تمثیل برای اهداف خود بهره برده معری سعی می‌کند سرپیچی از نظام قدرت و ایدئولوژی و در نتیجه برتافتن حکومت از این موضوع را به مفهوم محروم ماندن از لذت شراب بهشتی تشبیه کند. محمول (سلب شراب) به حامل «اعشی قیس» نسبت داده شده است.

نظام معنایی، با کمک فرآیندهای گفته شده و مشارکان و نوع بینش و هدف نویسنده با عناصر مختلف موقعیتی نیز شرح شده است، از جمله: زمانی (شرح سلب با بیان آن در زمان گذشته؛ اینکه اعشی در گذشته به شراب روی برده و خطای گذشته او سلب بهشت بر او را سبب شده است)، مکانی (معنا در بافت مکانی بهشت رخ داده است) و سببی (شراب سبب سلب بهشت از اعشی شده است). همچنین، روش پرسشی از دیگر روش‌هایی است که بافت معنایی را تأکید می‌کند.

۲-۵. فرآیند رفتاری

این نوع فرآیند از تمام گرایش‌های رفتاری در شخصیت‌های یک اثر ادبی یا گاهی نوع رفتارها و بینش خاص نویسنده، درک می‌شود. این رفتارها شامل: نشستن، خوابیدن، صحبت کردن، خندیدن، زمزمه کردن، آه کشیدن و دیگر رفتارها می‌باشد. به عقیده مایکل هلیدی، این نوع فرآیند تنها یک شرکت‌کننده یا رفتارگر دارد (Haliday, 1985: 248).

در واقع فرآیند رفتاری در حدفاصل دو فرآیند مادی و ذهنی قرار می‌گیرد. برای مثال در مقابل فرآیند ذهنی دیدن، فرآیند رفتاری نگاه کردن را داریم یا در مقابل فرآیند ذهنی شنیدن، فرآیند رفتاری گوش کردن را» (صفایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۲). مثال‌های از رساله الغفران:

«فَيَسْبَحُونَ لِلَّهِ وَيَقْدُسُونَ وَيَحْمَدُونَ عَلَى أَنْ جَمَعَ بَيْنَهُمْ، وَيَتْلُو جَمَلَ اللَّهِ ببقائه هذه الآية: وهو على جمعهم إذا يشاء قدير. فإذا أكلوا من طيبات الجنة، شربوا من شرابها الذي خزّنه الله لعباده المتقين» (المعري، ۱۹۷۷: ۲۰۴). مشارکان سه فرآیند رفتاری نخست «یسبحون، یقدسون، یحمدون» شامل اعشی، نابغه الجعدی، نابغه ذبیانی، ابن القارح و عدی ابن زید می‌شود. ابن القارح،

عدی بن زید و نابغه بنا به اعمال نیکشان و به سبب برخی از اشعاری که در وصف یکتاپرستی سرودند و اعشی نیز براساس توبه و مدح پیامبر (ص) مشمول رحمت الهی قرار گرفتند و در بهشت پیوسته خداوند را حمد و ثنا می‌کردند. از سویی دیگر مشارک دیگری که تحت تأثیر این افراد یا رفتارگران قرار دارد؛ «الله» است که مفعول جملات قرار گرفته است. هدف نویسنده از آوردن این فرآیندهای رفتاری، تبیین و تأکید بر امر آمرزش به واسطه ایمان به خدا است. نویسنده برای بیان و تقویت معنا از عنصر موقعیتی سببی نیز بهره گرفته است که با عبارت نهایی در بند آن را بازگو کرده است: «علی أن جمعَ بینهم». همچنین، نقش زاویه دید، بینش و اطلاعات نویسنده به موضوع باری دیگر موقعیت کلامی را جهت انتقال معنا به خواننده تقویت کرده است. در دو فرآیند «أكلوا» و «أشربوا» نیز رفتارگران همان‌هایی هستند که در فرآیندهای پیشین گفته شد، در حالی که در فرآیند «خزن» مشارک یا رفتارگر الله است و آنچه تحت تأثیر و پوشش رفتارگر قرار دارد، «شراب» است.

۶-۲. فرآیند کلامی

فرآیند کلامی با کنش‌هایی مانند گفتن، اظهار کردن، بیان کردن، ارائه دادن، اعلام کردن، پرسیدن، هشدار دادن، دستور دادن و... نمایان می‌شود. در این فرآیند تعداد مشارکان، سه یا بیش‌تر است؛ اینگونه که فردی که می‌گوید «گوینده»، آن کس که مورد خطاب واقع می‌شود «مخاطب» و پیام ارائه شده «گفته یا گفتمان» تعریف شده است (Eggines, 2007: 239 و گوینده به عنوان اصلی‌ترین مشارک محسوب شده است Haliday, 1985: 248).

این نوع فرآیند را نیز به مانند فرآیند رفتاری، بین دو فرآیند مادی و ذهنی می‌توان در نظر گرفت. از آنجا که گفتن خود یک عملکرد فیزیکی و مادی است، در زمره فرآیندهای مادی قرار می‌گیرد و از سویی دیگر، این نوع فرآیند چون انعکاس عملکرد ذهن است، نوعی فرآیند ذهنی محسوب می‌شود (Bloor & Bloor, 1997: 122). معری جایی در رساله الغفران به توصیف برخی از ادبا در بهشت می‌پردازد و می‌گوید:

«و أبوعبیده یذاکرهم بوقائع العرب و مقاتل الفرسان و الأصمعی ینشدهم ما أحسن قائله..... فیقول الشیخ: آه لمصرع الأعشی میمون.. ووددت ما صدته قریش لما توجه النبی(ص) و لو إنه أسلم لجاز أن یكون بیننا فی هذا المجلس» (المعری، ۱۹۷۷: ۱۸۰). ادیبانی که در این مجلس در ناز و نعمت هستند افرادی مثل مبرد و ابوبکر بن محمددرید و احمد بن نحوی مشهورهستند که جزء طبقه خنثی و غیرمخالف جامعه به حساب می‌آیند و حضور فردی چون اعشی که نماد مظلومیت، بردگی و محرومیت مادی و تضاد طبقاتی درمقابل سلطه نظام قبیله‌ای جاهلی است برجسته می‌شود. طُرفه آن که همین قهر و فشارنظام قبیله‌ای مانع از زندگی‌ای همسان

و همسطح با دیگر قشرهای اجتماعی در دنیا و سبب محرومیت ازنز و تنعم اخروی برای اعشی گشته است.

طبیعی است که این نوع فرآیند با وجود عنصر گفت‌وگو میان شخصیت‌ها بیشتر جلوه‌گر می‌شود، و چون رساله الغفران سرشار از گفت‌وگوی ابن قارح با دیگر شخصیت‌های موجود در متن است، بسامد این فرآیند در رساله بالاست.

۲-۷. فرآیند وجودی

فرآیند وجودی، ارتباطی با رویدادها و چگونگی رخداد آن‌ها ندارد، بلکه تنها وجود یا نیستی را تعریف می‌کند. این نوع فرآیند فرعی از دو فرآیند اصلی، مادی و رابطه‌ای تبعیت می‌کند؛ بر این اساس که وجود و ظهور یا نیستی پدیده‌ای یا چیزی را تعریف می‌کند؛ بنابراین، این فرآیند قادر است تا اتفاق یا رخدادی را بیان کند که به فرآیند مادی نزدیک می‌شود و از طرف دیگر، وجود یا بودن چیزی را به همراه دارد که به فرآیند رابطه‌ای شباهت دارد (Bloor & Bloor, 1997: 256).

کنش‌هایی مانند به وجود آمدن، هست شدن، بودن، وجود داشتن، پدیدار شدن، واقع گشتن، باقی ماندن، رشد کردن و... جزو این فرآیند محسوب می‌شوند. مشارک این فرآیند تنها یکی است که از هستی و نیستی او سخن می‌رود و به آن «موجود» گفته می‌شود. «ومع المنصف باطیة من الزمرد. فیها من الرّحیق المختوم شیءٌ یمزجُ بزنجبیلٍ، والماء من سلسبیل» (المعری، ۱۹۷۷: ۱۸۵). وجود جامی از زمرد با شرابی از انگبین ناب با زنجفیل و آب سلسبیل در دست خادم (موجود) دلیلی بر وجود نعمت و رفاه اجتماعی مشارکان در این فرآیند است.

در بخشی از سخنان ابن قارح با حوری‌های بهشتی آمده است: «یعرض له حدیث امریء القیس فی دارة الجللل فینشیء الله - جلت عظمته - حورا یتمالقن فی نهر من أنهار الجنة و فیهن من تفضلن کصاحبة امریء القیس... فیأکلن و یأکلن من بضیعها ما لیس تقع علیه الصفة من متاع و لذاذ» (المعری، ۱۹۷۷: ۱۸۵).

در توضیح این دو شاهد و با تکیه بر بافت موقعیتی و اجتماعی متن می‌توان گفت که توصیف‌های متنوع و تکاپو و تحرک در بیان اوصاف حیات بهشتیان در مقایسه با توصیف‌های جزئی و محدود از جهنم نه به دلیل فرار از یکنواختی موضوع و ممل بودن کلام طولانی از شکنجه و عذاب در مقابل اهل جهنم (الجامعی، ۱۹: ۵۴)، بلکه آفرینش عالم شاعرانه جدید و سمبلیکی است که تجسم بخش حیات فکری و عقیدتی دگراندیشان تمدن عربی اسلامی است؛ که خود معری هم بخشی از آن به شمار می‌آید و این عالم شاعرانه در عین متفاوت بودن با جهان خارج، عرصه اراده و جولانگاه خیال پردازی شاعر است.

۸-۲. نتایج

از مجموع بررسی‌هایی که در نظام اندیشگانی ابوالعلاء معری در «رساله الغفران» انجام شد، نتایج زیر به دست آمد:

متن رساله الغفران به عنوان یکی از متون مشهور ادبی دوره عباسی لایه‌های مختلف معنایی دارد و اکتفا به ظاهر الفاظ و تحلیل این متن ادبی بدون در نظر داشتن بافت و موقعیت تاریخی و شرایط سیاسی اجتماعی دوره مولف باعث سوء برداشت در تحلیل ادبی می‌شود. مفاهیم و دغدغه‌های انتزاعی ابوالعلاء با تکیه بر فرآیندهای فیزیکی و مادی مختلف اندیشگانی و در قالب رمزگان به شکلی ملموس به مخاطب منتقل می‌شود. جدول زیر بیانگر بسامد و درصد مشارکت هریک از این فرآیندها در این اثر است:

بسامد و درصد فرآیندهای اندیشگانی در «رساله الغفران»							
داستان‌ها	مادی	ذهنی	رابطه‌ای	رفتاری	کلامی	وجودی	مجموع
فردوس	بسامد	۳۹۵	۴۱۰	۸۲	۸۶	۲۵۴	۱۳۴۲
	درصد	۳۹٪	۳۰٪	۵٪	۵٪	۲۵٪	۱۰۰٪
جنة الغفران	بسامد	۵۴	۶۹	۸	۱۱	۴۷	۱۹۷
	درصد	۳۶٪	۳۳٪	۳٪	۵٪	۲۲٪	۱۰۰٪
الجحیم	بسامد	۱۰۲	۱۵۲	۱۰	۲۹	۱۵۴	۴۶۳
	درصد	۲۱٪	۳۲٪	۲٪	۶٪	۳۳٪	۱۰۰٪
عودة الى الفردوس	بسامد	۶۹	۷۸	۱۹	۲۸	۷۳	۲۷۵
	درصد	۲۴٪	۲۸٪	۷٪	۱۰٪	۲۵٪	۱۰۰٪
مجموع	بسامد	۶۲۰	۷۰۹	۱۱۹	۱۵۴	۶۲۸	۲۲۳۰
	درصد	۲۶٪	۳۰٪	۵٪	۶٪	۲۶٪	۱۰۰٪

جدول بالا نشان می‌دهد که بیش‌ترین میزان فرانش اندیشگانی متعلق به فرآیند ذهنی (۳۰٪) است و فرآیندهای کلامی (۲۶٪) و مادی (۲۶٪) در مرتبه دوم قرار می‌گیرند. کاربرد بالای فرآیند ذهنی با توجه به غنایی بودن داستان توجیه منطقی دارد و بیانگر قوه تخیل و غلبه جنبه ادبی این اثر است؛ زیرا که متن سفری است خیالی به سرای آخرت، توصیف ملاقات با شخصیت‌ها، مکان‌ها و حوادث فراواقعی.

همان‌طور که اشاره شد فرآیند کلامی در داستان‌های رساله الغفران که نسبت (۲۶٪) را به خود اختصاص داده است. پربسامدترین کنش در این فرآیند به واژه «قال، يقول» برمی‌گردد که حاکی از فراوانی عنصر گفتگو در حین روایت سیر سلوک حیات شخصیت‌ها و مشارکین است. مولف برای عینی و ملموس نشان دادن امور انتزاعی و ذهنی، به تاریخ تفکر عربی اسلامی رجوع کرده و با گزینش نقاط عطف زندگی شخصیت‌های ادبی و

علمی و الهام از ابعاد متنوع دلالتی آن‌ها و نیز به‌کارگیری متون دینی و روایی قدیم سعی دارد واقعیت و تاریخ سیاسی اجتماعی عصر خود را به نقد بکشد.

از دیگرسو؛ کاربرد کنش‌های فرآیند مادی نیز به دلیل حدوث رویداد و رخداد‌های متنوع این سفر خیالی، گامی موثر در تقریب مفاهیم ذهنی معری به فهم مخاطب و بیانگر نقش تحرک و پویایی در این رساله است. استفاده از این کنش‌ها سبب گشته‌است تا داستان‌ها از حالت ایستایی خارج شود.

در ارتباط با فرآیندهای وجودی (۱٪)، رفتاری (۶٪) و رابطه‌ای (۵٪) به علت حضور حداقلی در کلیت «رساله الغفران» باید گفت که معری در این اثر قصد طرح مسائل وجودشناسانه و هستی‌شناسی به معنای فلسفی آن را ندارد؛ زیرا به نظر می‌رسد هدف وی از نگارش این اثر بیشتر نقد واقع با تکیه بر حافظه فکری فرهنگی مخاطب و بازخوانی حوادث تاریخی در جهت تبیین وضع کنونی عصر معری و چه بسا کل آینده سرزمین‌های عربی اسلامی است.

منابع

أحمد، نحلة (۲۰۰۱ م)، علم اللغة النظامی، مدخل إلى النظرية اللغوية عند هالیدی، ط ۲، الإسكندرية، ملتنقی الفكر.

بدری الحربی، فرحان (۲۰۰۳ م)، الأسلوبية فی النقد العرب الحديث: دراسة فی تحلیل الخطاب، بیروت، المؤسسة الجامعية للدراسات والنشر والتوزيع.

حسین، طه (۱۹۶۳ م)، تجديد ذكری أبي العلاء، بیروت، دار الثقافة.

روابحة، حدة (۲۰۱۸ م)، محاضرات فی لسانیات النص، جامعة قالمه الجزائر.

ضیف، شوقی (۱۴۳۳ ق)، الفن ومذاهبه فی النثر العربی، ط ۱، قم، ذوی القربی.

عباس، إحسان (۲۰۱۰ م)، محاولات فی النقد، ط ۲، بیروت، دار ابن حزم.

العنوم، مهی محمود إبراهيم (۲۰۰۴ م)، «تحلیل الخطاب فی النقد العربی الحديث دراسة مقارنة فی النظرية والمنهج»، أطروحة دكتوراه، الاستاذ المشرف: سمیر قطامي، الأردن، الجامعة الأردنية.

الفلفل، محمد عبدو (۲۰۲۰ م)، دراسات نحوية و لغوية معاصرة، الجامعة العربية السورية، قسم اللغة العربية.

المعری، أبو العلاء (۱۹۷۷)، رسالة الغفران، تحقیق: عائشة عبدالرحمن بنت الشاطی، ط ۹، القاهرة، دار المعارف.

ب. فارسی

روبنز، آر. اچ (۱۳۹۳ ش)، تاریخ مختصر زبان‌شناسی، ترجمه: علی محمد حق شناس، تهران، ماد.

طاهری‌نیا، علی‌باقر، ملابراهیمی، عزت، الیاسی، حسین (۱۳۹۹)، «تحلیل نشانه‌شناسی انتقادی قصیده «العشاء الأخير» با تکیه بر روش متنی و فرامنتی فرکلاف و روش کنش تحلیل تئو ون لیون»، مجله

/ادب عربی، شماره ۹، سال ۱۲، صص ۱-۲۲.

مهاجر، مهران، محمد نبوی، (۱۳۷۶ ش)، به سوی زبان‌شناسی شعر: رهیافتی نقش‌گرا، تهران، مرکز.

نیازی، شهریار و رحمانی، نعیم (۱۳۹۲)، «همبستگی قرینه‌ها در فهم معنی از منظر تمام حسان، نظریه‌ای جدید یا بازتاب سخن پیشینیان»، *مجله ادب عربی*، شماره ۲، سال ۵، صص ۲۳۹-۲۶۲.

هلیدی، مایکل و رقیه حسن (۱۳۹۳ ش)، *زبان بافت و متن: جنبه‌هایی از زبان در چشم‌اندازی اجتماعی-نشانه‌شناختی*، ترجمه مجتبی منشی‌زاده و طاهره ایشانی، تهران، علمی.

- Abbas, Ihsan (2010). Attempts at criticism. Beirut: Dar Ibn Hazm. [In Arabic].
- Ahmed, Nahla (2001). Systematic linguistics, an introduction to Halliday's linguistic theory. Alexandria: Moltagha alfeqr. [In Arabic].
- Al-Atoum, Maha Mahmoud Ibrahim (2004). "Discourse Analysis in Modern Arab Criticism: A Comparative Study of Theory and Method." PhD thesis, supervising professor: Samir Qatami, Jordan: University of Jordan. [In Arabic].
- Al-Folfol, Muhammad Abdo (2020). Contemporary grammatical and linguistic studies. Syrian Arab University: Department of Arabic Language. [In Arabic].
- Al-Maari, Abu Al-Alaa (1977). Resalato alghofran. Investigation: Aisha Abdul Rahman Bint Al-Shati. 9th edition. Cairo: Dar al-Maarif. [In Arabic].
- Badri Al-Harbi, F., (2003). Stylistics in Modern Arab Criticism: A Study in Discourse Analysis. Beirut: University Foundation for Studies, Publishing and Distribution. [In Arabic].
- Bloor, T. & M. Bloor (1997). The Functional Analysis of English. A Haliday Approach. London: Arnold.
- Deif, S., (2012). Art and its doctrines in Arabic prose. Qom: Zavi alghorba. . [In Arabic].
- Eggins, Suzanne. (2007). An introduction to systemic functional linguistics. reprinted New York.
- Haliday. M. A. K. (1994). An Introduction to Functional Grammar. London: Edward Arnold.
- Haliday. M. A. K. (1985). An Introduction to Functional Grammar. London: Edward Arnold.
- Helidi, M., and Ruqieh H., (2013). The language of context and text: aspects of language in the socio-semiotic perspective. Translation: Mojtabi Munshizadeh and Tahereh Ishani. Ch1. Tehran: Elmi. [In Arabic].
- Hussein, T., (1963). Renewal of the memory of Abu Al-Alaa, Beirut: Dar alsaghafa. [In Arabic].

- Mohajer, Mehran, M., N., (1376). Towards the linguistics of poetry: a role-oriented approach. second edition. Tehran: Markaz. [In Persian].
- Niazi, Sh., and Rahmani, N., (2012). "Correlation of associations in the understanding of meaning from the perspective of Tamma Hasan, a new theory or a reflection of the words of the predecessors". Arabic literature magazine. Year 5. Number 2. pp. 239-262. [In Persian].
- Rawabha, Haddah (2018). Lectures on text linguistics. Guelma University, Algeria. [In Arabic].
- Rubens, R. H. (2013). A brief history of linguistics. Translation: Ali Mohammad Haqshanas, Ch. 12. Tehran: Mad.[In Persian].
- Taherini, Ali-Baqer, Molla-Ebrahimi, Ezzat, Eliasi, Hossein (2019). Critical semiotics analysis of the ode "Al-Isha al-Akhir" based on Fairclough's textual and metatextual method and Theo Van Lewin's method of action analysis". Arabic literature magazine. Year 12, No. 9. pp. 1-22. [In Persian].
- Thomnson. G. (1996). Intrduciny functional grammar. Landon: Arnold.